

منابع و شیوه‌های تأمین امنیت در اندیشه امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۶/۲۹

تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۶/۸

سیامک ره‌پیک*

چکیده

ایده‌پردازی و سیاست‌گذاری در خصوص منبع و شیوه برقراری امنیت و تأمین آن، از جمله عناصر هر نظریه امنیتی و یا راهبرد امنیت ملی است و راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. مقاله حاضر در این چارچوب، به درک منابع و شیوه‌های تأمین امنیت در اندیشه امام خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و سعی در تبیین رویکرد ایشان در این حوزه دارد. بر این اساس، نویسنده معتقد است رویکرد بنیادین تأمین امنیت در سپهر اندیشه امام (ره)، درونی و برخاسته از تأملات انسان‌شناسانه ایشان است و بر این اساس، الگوی تأمین امنیت در نظریه ایشان، از درون به بیرون و از پائین به بالاست که ترجمان عینی و اجتماعی - ملی آن را می‌توان در عنوان «الگوی مردم‌محور» خلاصه نمود.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی (ره)، منابع تأمین امنیت، شیوه‌های تأمین امنیت، وحدت کلمه، ایمان، مردم‌محوری

* دانشیار دانشکده علوم قضایی

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال سیزدهم • شماره سوم • پاییز ۱۳۸۹ • شماره مسلسل ۴۹

مقدمه

امام خمینی (ره)، شخصیتی کم‌نظیر بود که ابعاد وجودی و عمق تفکر و مبانی اندیشه او در فهم هستی و مسایل انسانی و اجتماعی، هنوز نیز تا حد زیادی ناشناخته مانده است. رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، بخش‌هایی از این ژرف‌نگری را عینیت بخشید، اما همه آنچه از ایشان ظهور کرد، تمام ایده و ظرفیت او نبود و آنچه نیز در خارج تحقق پیدا کرد، از نظر تحلیل مبانی و خاستگاه اندیشگی وی، کاملاً درک نشده است. اندیشه و عمل امام خمینی در حوزه امنیت نیز اینگونه است. البته، اگر بنا بر آن باشد که نظریات و رویکردهای متعارف امنیتی را معیار قرار دهیم و مستقیماً به دنبال واژگان و عبارات مترادف آنها در کلام و سیره امام خمینی باشیم، ممکن است به این نتیجه برسیم که ایشان در باب امنیت، مطالب قابل توجهی ندارند، اما اگر امنیت را در مبانی و چارچوب نظری و گفتمان ایشان جستجو و کشف کنیم یا حداقل زبان گفتمانی امام را به زبان گفتمانی قابل فهم جاری ترجمه نماییم، مشخص خواهد شد که ایشان در حوزه امنیت تا چه حد و میزانی فکر و عمل داشته‌اند. با این نگاه، مسایل گوناگون حوزه امنیت را می‌توان با توجه به مبانی تحلیلی حضرت امام بررسی و درک نمود.

درک مفهوم امنیت، علاوه بر دو مقوله مرجع امنیت و تهدیدات امنیتی، شامل دو مقوله یا پرسش دیگر نیز می‌شود که عبارتند از: چه کسی امنیت را تدارک می‌بیند؟ و برای تدارک امنیت، از چه شیوه‌هایی می‌توان یا باید بهره جست؟ نحوه پاسخ‌گویی به این دو پرسش، بستگی مستقیم به این دارد که دو پرسش نخست را چگونه پاسخ داده باشیم (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۳). برای مثال، در برخی نظریات که هجوم نظامی، مهمترین تهدید امنیتی به شمار می‌رود، دولت به طور عام و نیروهای مسلح به شکل خاص، وظیفه تأمین امنیت را برعهده دارند. همچنانکه، در سطح امنیت عمومی، معمولاً از پلیس به عنوان مهمترین تأمین‌کننده امنیت نام برده می‌شود. در مقابل، می‌توان از نقش مردم، گروه‌ها، سازمان‌ها و جمعیت‌ها در تأمین امنیت یا تأمین امنیت به صورت مشارکتی سخن گفت (ره‌پیک، ۱۳۸۵: ۸۷ - ۸۶). به عبارت دیگر، ممکن است امنیت از «بالا به پائین»، «پائین به بالا» و یا با الگوی دیگری تأمین شود. بنابراین، در نظریه پردازی امنیتی، می‌توان این سؤال را مطرح کرد که هر نظریه پرداز با توجه به

اجزا و بخش‌های مختلف نظریه خود، چه شخص یا نهادی را بهترین تأمین‌کننده یا تأمین‌کنندگان امنیت می‌داند؟ و آنها با چه شیوه‌ها و ابزاری امنیت را تأمین می‌کنند؟ آیا شیوه‌ها و ابزار سخت اهمیت دارند یا شیوه‌ها و ابزار نرم و چه رابطه‌ای بین این دو وجود دارد؟ (ره‌پیک، ۱۳۸۷: ۵۶).

در این نوشتار، به تبیین پاسخ این پرسش‌ها در اندیشه امام خمینی (ره) می‌پردازیم.

الف. رویکرد بنیادین در تأمین امنیت

امام خمینی بر اساس نگاه عمیق انسان‌شناسانه خود، نفس و درون انسان را منشاء اصلی خیر و شر انسان و جامعه انسانی می‌داند. این نگاه، الگوی امنیت را از درون به بیرون می‌بیند. بنابراین، در سطح اجتماعی و ملی نیز تأکید بر عوامل درونی است، به طوری که با تحقق و وجود شرایط مطلوب درونی، تهدیدات بیرونی کم‌اثر و قابل کنترل قلمداد می‌شوند و در مقابل، نابسامانی و عدم تعادل درونی، مهمترین عامل ناامنی است که تهدیدات خارجی را فعال و مؤثر می‌کند. البته، بدیهی است در غالب نظریات، عوامل درونی و بیرونی محیطی، هر دو در ایجاد امنیت و ناامنی مؤثر تلقی شده‌اند، اما ویژگی نظریه امام خمینی، تأکید فوق‌العاده بر عوامل درونی انسانی و اجتماعی است که با توجه به نوع عوامل معرفی شده، تا حد زیادی آن را متمایز از سایر نظرات می‌نماید. بر این اساس، عامل درونی انسانی و اجتماعی، شکل‌دهنده رویکرد بنیادین امام خمینی در تأمین امنیت به شمار می‌رود.

به بیان امام (ره):

«همه گرفتاریها از انانیت انسان است. تمام جنگ‌های عالم از این انانیت انسان پیدا می‌شود. مؤمن‌ها با هم جنگ ندارند؛ اگر جنگی باشد بین دو نفر، باید بدانند که مؤمن نیستند. مؤمن‌ها با هم جنگ ندارند. وقتی که ایمان نباشد و توجه همه‌اش به خودش باشد، هرچیز را برای خودش بخواد، هیا هو از اینجا به پا می‌شود... این جنگ همه بین انانیتهاست ... این انانیت در اولیا نیست، جنگ هم در اولیا نیست» (تفسیر سوره حمد: ۱۲۴).

ب. منابع تأمین امنیت

در اندیشه امام خمینی(ره)، از منظر درونی، می‌توان منابع تأمین امنیت را در دو مورد «وحدت» و «ایمان و معنویت» خلاصه کرد.

۱. وحدت

وحدت در بین اقشار مختلف و مسؤولان، نقشی کلیدی در الگوی مدیریت و رهبری امام خمینی ایفا می‌کند. کارکرد وحدت، اتحاد، انسجام و تفاهم اجتماعی و سیاسی، از نظر ایشان بی‌نظیر و منحصر به فرد است. وحدت، رمزی است که امام آن را گشود و خود نیز معتقد به این رمزگشایی بود. وحدت در پیروزی انقلاب نقش اساسی داشت و در بقای انقلاب و جمهوری اسلامی نیز همان نقش را بازی می‌کند. معنای این سخن آن است که امنیت جامعه و کشور به بود و نبود یا میزان وحدت بستگی دارد. بنابراین وحدت، امر سطحی و تشریفاتی نیست، بلکه حقیقت جوهری و ذاتی در بقای ملت و دولت قلمداد می‌شود. تعابیر حضرت امام در این خصوص کاملاً روشن و آشکار است:

«... ما پیروزی‌مان با وحدت کلمه و اتکای به اسلام بود، الله‌اکبر ما را پیروز کرد، حالا هم سلاح ما همان الله‌اکبر است. وحدت کلمه ما را پیروز کرد. حالا هم سلاح ما همان وحدت کلمه است» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۱۵۵).

به بیان بهتر، امام(ره) معتقد بودند علت مبقیه انقلاب، همان علت محدثه آن است، یعنی همان علت یا شیوه‌ای که انقلاب را به پیروزی رساند، همان است که می‌تواند موجبات حفظ و بقای آن را نیز فراهم کند.

ایشان در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود در این خصوص می‌نویسند:

«بی‌تردید رمز بقاء انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن، انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای

همان انگیزه و مقصد... و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقا آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است».

یکی از شیوه‌های تأمین وحدت در چارچوب اهداف انقلاب و حفظ انقلاب به تعبیر امام(ره)، «حفظ مصالح یکدیگر» است:

«...و ما راه طولانی دیگری داریم. و آن این که ریشه‌های گندیده استعمار را از بیخ و بن انشاءالله به خواست خدا درآوریم و این میسر نیست، میسر نیست مگر اینکه این نهضت را به همین‌طور که تا اینجا آمده است حفظ کنید؛ این وحدت کلمه را حفظ کنید. از اختلافات دست بردارید؛ احتراز کنیم از اختلاف. ما همه برادر هستیم، همه ملت با هم برادرند. به گفته خدا مؤمنین برادر هستند؛ برادر باید مصالح برادر را حفظ کند...» (صحیفه امام، ج ۶: ۴۱۹).

«...همه می‌دانید که رمز پیروزی بزرگی که ملت به آن رسیده است وحدت کلمه همه اقشار از مرکز تا اقصی بلاد کشور و هدف آن برچیده‌شدن حکومت طاغوتی و قطع ایادی استعمار و استعمارگران بین‌المللی و برپاشدن جمهوری اسلامی بود. اکنون احتیاج بیشتر داریم به حفظ این وحدت کلمه و وحدت مقصد...» (صحیفه امام، ج ۶: ۲۶۲).

۲. ایمان و معنویت

اهمیت قدرت اسلام و معنویت، در مرکز اندیشه امام قرار دارد. توجه به ایمان و معنویت دینی، منبع لایزالی از توانمندی‌ها تولید می‌کند که امنیت و بقای ملت و کشور با آن تضمین می‌گردد:

«...اینهایی که به مملکت ما خیانت کردند و مملکت ما را به تباهی کشاندند، آن بودند که ایمان نداشتند. اگر در بین آنها یک نفر ایمان داشت، آن یکنفر اینکارها را نمی‌کرد. آنهایی که خوردند و بردند و ما را به تباهی کشاندند، آنهایی بودند که به اسلام کار نداشتند، اعتقاد نداشتند؛ به ماورای طبیعت اعتقاد نداشتند، به معنویات عقیده نداشتند...» (صحیفه امام، ج ۷: ۴۶۴).

از سوی دیگر، روحانیت نیز به عنوان مرجع تولید گفتمان دینی و حافظ آن، در جبههٔ مقدم معنویت و ایمان اسلامی قرار دارد و حفظ و بقای جامعهٔ اسلامی بسته به آن است:

«چنانچه همه ما ... و خصوصاً روحانیت و خطبا در صحنه نباشیم و حاضر باشیم در قضایایی که می‌گذرد، مطمئن باشید که با عدم حضور شما، به سر انقلاب آن خواهد آمد که بر سر مشروطه آمد... بر همه ما و ... همه روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است. اگر بنا باشد که روحانیون کنار بروند و گاهی با یک قلمی اشکالات را بگویند و در رفع اشکالات کوشش نکنند و خطبا در منابر خودشان، مسائل روز را فراموش کنند و مسائل انقلاب را فراموش کنند، این انقلاب صدمه خواهد دید» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۳۲۹).

«... ما همه دیدیم که در همه بلاد، معممین - معممین متعهد - در رأس مردم بودند و مردم را وادار کردند به اینکه نهضت کنند؛ و مردم هم اطاعت کردند. من در خدمت شما هستم. روحانیت در خدمت اسلام و در خدمت ملت است. این سد را حفظ کنید تا کشور شما حفظ بشود...» (صحیفه امام، ج ۷: ۱۶).

ج. شیوه‌های تأمین امنیت

بر اساس نظرات حضرت امام، تأمین امنیت به شیوه‌های گوناگون امکان‌پذیر است، اما در هر حال، بنا بر رویکرد کلی ایشان که در ابتدا نیز مورد اشاره قرار گرفت، امنیت درونی و امنیت از پایین به بالا، بسیار مهم تلقی می‌شود. بر این اساس، شیوه‌های تأمین امنیت باید با این رویکرد تناسب داشته باشد:

«آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و همگامی آنها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه خواهد بود» (صحیفه امام، ج ۴: ۲۴۸).

رویکرد «از پایین به بالا» و «درونی» در اندیشه امام، از آن رو اصالت می‌یابد که به اعتقاد ایشان، انقلاب اسلامی، انقلابی مردمی و اسلامی بود و با «حضور ملت» تکوین یافت:

«این انقلاب ویژگیهای بسیار مثبت داشت و دارد. این انقلاب از باب اینکه یک انقلابی از خود ملت بوده است و مثل انقلاب‌های دیگری [نبود] که اکثراً یا همه، انقلاب ملت مستقیماً نبوده، بلکه گاهی حزبی در رأس بوده است و انقلاب کرده است و گاهی حکومتی بر حکومت دیگر قیام کرده است، بر ضد حکومت دیگر و او را سرنگون کرده است. انقلاب ایران نه مثل کودتاهای دنیاست و نه مثل انقلابات دنیا، یک انقلاب خاص خودش است؛ انقلابی است از خود ملت با فریاد «الله اکبر» و با فریاد جمهوری اسلامی. این دو خصوصیت، که یکی خود ملت در صحنه حاضر هست و بود و یکی اینکه راه یک راه بود، یک راه اسلامی، این دو خصوصیت و دو ویژگی اسباب آن شد که بعد از اینکه بر این قدرتهای شیطانی که در ایران هدایت می‌شد و همه قدرتها هم در دنبال آن بودند، به شکست رسیدند، این طور نبود که ملت کنار برود و بگوید که ما رژیم را کنار زدیم و حالا اشخاص خاصی بیایند و در صحنه اداره کنند کشور را. خود ملت در همه جا و در همه ارگانها حاضر بودند و تمام جهات انقلاب جوشیده از متن ملت بود» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۳۱۹).

شیوه تأمین امنیت، ترجمان عینی و اجتماعی - ملی این رویکرد است که می‌توان آن را در عنوان «الگوی مردم‌محور» متبلور دید که در این صورت، الگویی نرم‌افزارگرا به شمار می‌رود و از الگوی دولت‌محور و سخت‌افزارگرا متمایز می‌شود. شاکله این الگو در نظریه حضرت امام با عنوان «حضور مردم در صحنه» مشخص می‌شود که اجزای آن عبارتند از «پشتیبانی مردم از نظام اسلامی»، «دخالت مستقیم مردم در امور سیاسی»، «تفاهم ملت و دولت» و «برخورداری نظام اسلامی از پایگاه مردمی».

۱. نقش پشتیبانی مردم در تأمین امنیت

یکی از شیوه‌های تأمین امنیت، افزایش حمایت و پشتیبانی مردم از نهادهای رسمی تأمین امنیت است. این شیوه، کارکردهای گوناگونی دارد. از یک سو، از این طریق، الگوی امنیت درونی تقویت می‌شود و از طرف دیگر، توان نهادهای رسمی ارتقا می‌یابد. همچنین، با تقویت رابطه دولت و ملت، عناصری مانند مشروعیت و اعتماد، استحکام بیشتری پیدا می‌کنند. استفاده

از این شیوه در موارد متعدد مورد تأکید امام واقع شده و ایشان برای این منظور از اصطلاح «حضور مردم در صحنه» استفاده می‌کردند:

«مردم را در صحنه حاضر نگه دارید که آنچه انقلاب و ایران را حفظ کرده، حضور مردم در صحنه است. در تمام دنیا مردمی به خوبی مردم ایران پیدا نمی‌شود. امروز مردم پشتیبان انقلاب اسلامی و دولت هستند. پشتیبانی مردم از دولت به خاطر این است که دولت را اسلامی می‌دانند و می‌دانند که طرفداری از دولت، طرفداری از اسلام است؛ تنها به این خاطر است که از دولت پشتیبانی می‌کنند، این پشتیبانی را باید حفظ بکنید» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۴۵۳).

«از ملت هم تشکر می‌کنم به اینکه الحمدلله در صحنه حاضرند و تا در صحنه حاضرند، این کشور آسیب نخواهد دید ولو هرچه حالا فساد بکنند، هرچه کارهای خلاف بکنند. خداوند همه‌تان را حفظ کند» (صحیفه امام، ج ۱۶: ۶۸).

در کلام امام (ره)، پشتیبانی مردمی از نظام اسلامی منوط به نوعی رابطه دوطرفه میان ملت و دولت است و ایشان این رابطه را با سه کلیدواژه «تفاهم»، «خدمت» و «پشتیبانی» تبیین کرده‌اند. به بیان ایشان:

«دولتی که پشتیبان ندارد شکست خواهد خورد. همه دولت‌هایی که در خارج شکست می‌خورند - و مال خودمان هم دیدیم که رژیم سلطنت اصلاً به هم خورد - برای همین بود که تفاهم مابین ملت و رژیم نبود... این مسائل روی همین زمینه پیش آمد که دولتها در مقابل ملت می‌ایستادند و جیبه می‌گرفتند، ملت هم در مقابل دولت همین‌طور بود، وقتی این‌طور شد، نمی‌تواند دوام داشته باشد. اما اگر ملت و دولت هر دو باهم باشند، دوست باشند، اینها خودشان را خدمتگزار آنها بدانند، آنها خودشان را پشتیبان آنها بدانند، هر دو به هم خدمت بخواهند بکنند، یک همچو ملت و دولتی هیچ وقت شکست نخواهند خورد... بپرهیزید از اینکه از ملت جدا بشوید؛ شما را بخواهند جدا بکنند. ملت هم باید بپرهیزد از اینکه از شما جدا باشد.» (صحیفه امام، ج ۹: ۱۴۵).

این تفاهم و خدمت متقابل، در نظر امام (ره)، کلید حفظ جمهوری اسلامی و حتی اسلام در درازمدت است و ترک آن از بزرگترین گناهان کبیره به شمار می‌رود:

«همه می‌دانید و باید بدانیم مادامی که ملت، پشتیبان مجلس و دولت و قوای مسلح هستند و دولت و مجلس و قوای مسلح در خدمت ملت به ویژه قشرهای محروم می‌باشند و جلب رضای خداوند را در این خدمت متقابل می‌نمایند، هیچ قدرتی توانایی آسیب‌رساندن به این نظام مقدس را ندارد و اگر خدای نخواستہ یکی از این دو یا هر دو از خدمت متقابل دست بردارند شکست جمهوری اسلامی و اسلام بزرگ، اگرچه در درازمدت، حتمی است. بنابراین، ترک این خدمت متقابل که به شکست اسلام و جمهوری اسلامی منتهی می‌شود، از بزرگترین گناهان کبیره است که باید از آن اجتناب شود. چنانچه این خدمت از واجبات بزرگ است که باید به آن قیام نمایند» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۳۹۱).

حضرت امام (ره)، مفهوم «خدمت متقابل» را در فرازی دیگر از اندیشه‌های خود به مفهوم «پایگاه مردمی نظام اسلامی» تعبیر می‌کنند و آن را ضامن سلامتی نظام می‌دانند:

«اگر یک کشور بخواهد کشور سالمی باشد، باید بین دستگاه حاکمه با ملت تفاهم باشد و مع‌الأسف در رژیم‌های شاهنشاهی و بخصوص در رژیم اخیر، آن معنا عکس بود... اینها اسباب این شد که نتواند حکومت باقی بماند و با پایگاه نداشتن در پیش ملت ناچار باید کنار برود و رفت. این باید یک عبرتی باشد برای دولت‌ها. در رژیم اسلامی شاید در رأس برنامه، همین تفاهم مابین دولت و ملت باشد. یعنی نه دولت خودش را جدا می‌داند و بخواهد تحمیل بکند و مردم را تهدید بکند، ارباب بکند، اذیت بکند و نه مردم درصدد این بودند که دولت را تضعیف بکنند یا فرار بکنند از مقررات دولتی» (صحیفه امام، ج ۱: ۲۳۰ - ۲۳۱).

برخورداری نظام اسلامی از پایگاه مردمی، مستلزم دخالت ملت در امور سیاسی است و این دخالت از نظر امام (ره) موجب استقرار و استدامه حکومت با پشتیبانی ملت می‌شود:

«دخالت در امور سیاسی سالم و اجتماعی یک وظیفه است در این حکومت اسلامی و کمک به متصدیان امر و دولت‌مردان وفادار به جمهوری اسلامی نیز یک

وظیفه اسلامی - انسانی - ملی است که امیدوارم ملت شریف و بیدار از آن غفلت نکنند و همان‌گونه که تا کنون در صحنه حاضر بودند و هستند و با کمک آنان حکومت اسلامی و جمهوری می‌توانست استقرار و استدامه پیدا کند، از این پس نسل حاضر و نسل‌های آینده با وفاداری بر آن و پشتیبانی از آن، هرچه بیشتر استقرار یابد و ادامه داشته باشد» (صحیفه امام، ج ۱۶: ۲۲۴).

در صورت وجود پایگاه مردمی، به نظر امام (ره)، حتی اگر دشمن حمله کند و کشور را اشغال نماید، باز هم نمی‌تواند دوام بیاورد و بار دیگر قدرت به مردم و نظام اسلامی بازخواهد گشت:

«وقتی یک انقلابی از خود مردم شد، این را نمی‌شود با یک دسته‌ای، بلکه با یک لشکرهایی این را برهم زد. می‌شود که - فرض کنید - یک قدرت بزرگ مثل آمریکا حمله کند به ایران و ایران را بگیرد، لکن نمی‌تواند انقلاب را به هم بزند، نمی‌تواند این مردم را رام کند. ... قدرت به آن بزرگی شوروی به افغانستان حمله کرد ... لکن وقتی وارد شد قدرت و قوای او به افغانستان، فشل شد و الان به نظر می‌رسد که پشیمانند، لکن رویشان نمی‌آید بگویند. اگر آمریکا فرض کنید بیاید ایران را بگیرد، ابتدا بتواند یک همچه کاری بکند، نمی‌تواند در اینجا ادامه پیدا کند؛ می‌تواند که طیاره‌هایش را، جنگنده‌هایش را بفرستد و شهرها را بمباران کنند و اینها ولی وقتی آمدند روی زمین، مردم آنها را با چنگ و دندان از بین می‌برند» (صحیفه امام، ج ۱۶: ۱۱).

۲. دخالت مستقیم مردم در تأمین امنیت

ایده دفاع و بسیج عمومی که از سوی امام خمینی مطرح و حتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز منعکس شد، مردم را به طور مستقیم در تأمین امنیت دخالت می‌دهد. در سال‌های دفاع مقدس، نمونه‌های بارزی از اجرای این ایده ملاحظه شد. در شرایط کاملاً خاص امنیتی که حفظ ارزش بقای نظام در معرض تهدید است، از منظر امام خمینی این ایده، چهره تکلیف شرعی نیز پیدا می‌کند. پذیرش این ایده و عمل به آن از سوی مردم، فواید فراوان سیاسی و اجتماعی در بر دارد.

در جریان جنگ تحمیلی، حضرت امام تأکید داشتند که چون قوای مسلح مردمی بودند و از مردم بودند توانستند جنگ را به پیش ببرند و در غیر این صورت نمی‌توانستند: «شما اگر مردم نبودند نمی‌توانستید این جنگ را اداره بکنید، این شک ندارد. مردم اداره کردند؛ یعنی این سپاه مردمند؛ این بسیجی‌ها مردمند؛ ارتش هم امروز مردم است» (صحیفه امام، ج ۱۸: ۷۹).

به نظر امام (ره) این نحوه حضور مستقیم مردم در صحنه‌های حساس مانند جنگ تحمیلی، می‌تواند کشور را نجات دهد:

«شما هستید که کشور را از دست ابرقدرت‌ها نجات دادید و این طبقه عزیز محروم که در ازای خدمتش غیر از خدا از کس دیگری چیزی نمی‌خواهد و ما همه رهین منت شما هستیم و اگر لایق باشیم خدمتگزار شما. شما بودید که در میدان‌ها، در خیابان‌ها، اجتماع کردید و با مشت گره‌کرده در مقابل توپ و تانک و مسلسل و اینها ایستادید و با ایستادگی و شجاعت زن و مرد شما، بزرگ و کوچک شما، فداکاری کرد و شهید داد تا غلبه کرد و الان هم که در جبهه‌ها جنگ است، باز این طبقه محرومند که مشغول خدمت هستند... شاید در طول تاریخ هم نظیری برایش نتوانیم پیدا بکنیم که بچه‌های کوچک و جوان‌های نیمسال و زن‌ها، پیرزن‌ها، نوجوان‌ها، همه با هم در این جبهه حاضرند و صحنه جنگ، صحنه‌ای است که ملت همه در آن حاضر هستند» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۲۶۲ - ۲۶۴).

بر اساس رویکرد کلی امام در توجه عمیق به نقش مردم، ایشان ضمن تأکید بر حفظ یکپارچگی ملت در تأمین امنیت، مردم هر منطقه را در تأمین امنیت منطقه خود اولی می‌دانند: «من از برادران و خواهران کردستانی می‌خواهم که برادرانه با سایر برادران مسلمان خود و در کنار هم از کشور خود دفاع کنید» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۲۲۱). این نقش مردمی در مناطق قومی کشور از اهمیت و ضرورت بیشتری برخوردار است. به بیان امام (ره):

«من از شما ملت غیور و از شما اهالی گنبد و اهالی غیور گنبد، تشکر می‌کنم که در این زحمات پایداری کردید. مسائلی که ذکر کردید من به سمع دولت می‌رسانم و

امیدوارم که ترتیب اثر داده بشود و امنیت به آنجا برگردد. لکن شما هم باید کمک کنید یعنی پشتیبانی کنید از قوای انتظامی. اگر قوای انتظامی در آنجا مستقر شد شما هم پشتیبانی کنید و به کمک هم، اشرار را کنار بزنید. این اشرار که حمله می‌کنند به مسلمین، واجب است آنها را دفع کنند ولو به قتل آنها منجر بشود. و هر کسی پایداری کند ثواب دارد، و هر کس کشته بشود ثواب شهید دارد» (صحیفه امام، ج ۷: ۹).

«از عواطف اسلامی شما سلحشوران مسلمان و طرفداران جمهوری اسلامی متشکرم. امید است در پرتو حکومت عدل و افراشته شدن پرچم اسلام، آزادی و امنیت و استقلال نصیب ملت محترم ایران شود. این جانب از طوایف بویراحمد و سایر طوایف شجاع ایران تقاضا دارد که در حفظ نظم و امنیت منطقه خودشان کمال مراقبت را بنمایند؛ و در این موقع حساس که به وطن ما می‌گذرد نگذارند اشخاص ماجراجو به بدخواهان دین و کشور بهانه دهند. از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین را خواهانم» (صحیفه امام، ج ۵: ۵۱۹).

در عین حال، تأمین امنیت به صورت محلی و منطقه‌ای، نباید موجب شود اقوام، ایلات، مناطق و طوایف، در مقابل هم بایستند و هر یک، امنیت خود را در گرو ناامنی دیگری بدانند:

«شما بختیاری‌ها، که از اول معروف به دلاوری و جنگجویی بودید، الآن هم باید کوشش کنید و نگذارید آنجا یک عناصر فاسدی بیایند و بین جوانهای ایل حرفهایی بزنند، یک وقت شما بفهمید که در خود ایل اختلاف حاصل شد، یا مثلاً ایل شما را با یک ایل دیگری در بینشان فتنه بکنند، و شماها را مقابل هم قرار بدهند. اینها الآن مفسده‌جوهای هستند که از خوف این که نبادا ایران یک استقراری پیدا بکند، یک حکومت عدل اسلامی پیدا بکند. در صدد هستند که هر جا هستند یک ایجاد اختلافی بکنند. در شهرها به یک طور، در دهات به یک طور، در ایلات به یک طور، در کارخانه‌ها به یک طور. اینها را باید جلوگیری بکنید. خودتان حفظ بکنید مناطق خودتان را و از آشفتگی‌ها حفظ کنید تا یک امنیتی برقرار بشود، و این حکومتی که بناست مستقر بشود، مستقر بشود» (صحیفه امام، ج ۹: ۱۶۳).

تأمین امنیت به شیوه مردمی، در رویکرد نظری امام خمینی (ره)، علاوه بر آنکه بهترین شیوه و امکان‌پذیرترین آنها در چارچوب جمهوری اسلامی است، به لحاظ شرعی نیز نوعی تکلیف به شمار می‌رود که بر عهده همه است و در این خصوص، هیچ تفاوتی میان فرد یا گروهی نیست:

«در هر صورت تکلیف زیاد است، بزرگ است برای همه‌مان. ما برای ادامه این انقلابی که هست تکلیف زیاد داریم؛ دولت تکلیف دارد، رئیس‌جمهور تکلیف دارد، رئیس مجلس تکلیف دارد، کشاورز تکلیف دارد؛ کارگر تکلیف دارد، هر کس در هر گوشه‌ای از این کشور واقع شده است تکلیف دارد. تکلیف ما لیکن فرد و نفر نیست، آحاد مردم یکی یکیشان تکلیف دارند برای حفظ جمهوری اسلامی، یک واجب عینی، اهم مسائل واجبات دنیا، اهم است، از نماز اهمیتش بیشتر است؛ برای اینکه این حفظ اسلام است، نماز فرع اسلام است. این تکلیف برای همه است، هیچ فرقی مابین ترک و فارس و کجا و کجایی ندارد، سیستانی و بلوچستانی و اینها. و این تکلیف برای همه دنیاست. حفظ دین حق، یک حکمی است برای همه دنیا، در رأس واجبات برای همه دنیا واقع شده، متتها غیر مسلمین چون اعتقاد به اسلام ندارند می‌گویند خوب، اسلام واجب کرده، به ما چه، اما مسلمین که اعتقاد دارند. آن مسلمی که در آفریقا است، حفظ جمهوری اسلامی برایش واجب است» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۴۸۷).

در این تکلیف شرعی، تفاوتی میان ابزارهای نرم و سخت نیست و در حفظ امنیت و کیان مسلمین و تمامیت ارضی کشور و دفاع در برابر تعدی، همه مکلفند با ابزارهای متناسب مشارکت کنند:

«نمی‌توانیم بنشینیم بگوییم ارتش اینکار را بکند. وقتی کشور اسلام مورد تهدید دشمنهای اسلام است، دفاع از کشور اسلام و نوامیس مسلمین بر همه ما، بر تمام ما واجب است؛ با همه کوشش واجب است. وقتی یک همچو مطلبی پیش آمد و شما هم بحمدالله، همه کشور ما، همه زن و مردش آماده برای این مسئله هستند..... اینهایی که در سرحدات، اینهایی که به سرحدات حمله می‌کنند به ما، ولو فرض بکنید که مسلمان هستند، لکن چون حمله کردند دفاع واجب است و کشتن آنها هم تا دفعشان واجب

است. نه اینکه ما سر جنگ داریم، ما می‌خواهیم عالم در صلح باشد. ما می‌خواهیم همه مردم، همه مسلمین و غیر مسلمین همه در صلح و صفا باشند، لکن معنایش این نیست که اگر یک کسی بخواهد بریزد در منزل یک کسی و تعدی کند، ما بگوییم که سر صلح داشته باشید و تن بدهید به ظلم! نه، همانطوری که ظلم حرام است، انظلام و تن‌دادن به ظلم هم حرام است. دفاع از ناموس مسلمین و جان مسلمین و مال مسلمین و کشور مسلمین یکی از واجبات است. ما داریم به این واجب عمل می‌کنیم. کشور ما دارد به این واجب عمل می‌کند» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۱۱۸).

۳. تأمین امنیت از طریق نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی

در نظریه حضرت امام، وجود نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی قوی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که مورد تأکید و توجه آموزه‌های دینی نیز قرار گرفته است. حفاظت از ارزش‌های کشور، به ویژه ارزش‌های والای دینی که از سوی قدرت‌های معارض مورد تهدید و تعرض قرار دارد، نیازمند به کارگیری شیوه‌های سخت و اعمال قدرت نظامی، انتظامی و امنیتی است:

«رحمات شما برادران و کمیته موجب قدردانی است که در آن وقتی که اول انقلاب بود و پیروزی انقلاب بود و طبع هر انقلاب یک شلوغی‌هایی و بی‌امنی‌هایی هست، شماها بحمدالله توانستید شهرها را امن کنید و تسلط پیدا کنید بر شهرها از جهت امنیت؛ و از آن وقت تا کنون هم با برادران سپاهی خودتان، ارتشی خودتان، همه خدمتگزار به اسلام و به کشور عزیز خود بودید و این امری است که پیش خدای تبارک و تعالی ثبت است، و امیدوارم که تا آخر هم این امر ادامه پیدا بکند و در درگاه خدای تبارک و تعالی نام شما ثبت بشود با نام کسانی که در صدر اسلام برای پیروزی اسلام خدمت کردند» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۴۰۰).

البته، در رویکرد ایشان، قوای نظامی، انتظامی و امنیتی و ضابطین مرتبط باید در خدمت و حافظ استقلال و امنیت کشور باشند نه صرفاً رژیم سیاسی یا دیکتاتوری مستبد. به بیان ایشان:

«هیچ کشور بی‌نیاز از نیروی نظامی و ارتش نیست ولی ارتش باید پاسدار استقلال و امنیت کشور باشد نه حافظ یک دیکتاتوری مستبد، و مطرود تمامی ملت و مأمور قتل عام فرزندان کشور» (صحیفه امام، ج ۵: ۳۸۴).

در این صورت است که فعالیت و تلاش این قوا موجب برقراری آرامش و امنیت در میان مردم و حفظ امنیت داخلی و ملی می‌شود:

«و من امروز باید از شما تشکر کنم که شما از این ملت پشتیبانی کردید و فعالیت شما به ملت آرامش داد. ملت باید از شما جوانان در سرتاسر کشور که نگهبان امنیت داخلی هستید و از آن جوانان که نگهبان کشور هستند در جبهه‌ها، تشکر کند و خدای تبارک و تعالی از شما تقدیر می‌کند» (صحیفه امام، ج ۱۶: ۷۶).

با این وصف، قوای نظامی و انتظامی و دیگری قوای مسلح، اساس و مبنای برقراری امنیت در جامعه به شمار می‌روند و نیروهای آنها از میان خود مردم برمی‌خیزند و در نتیجه، این قوا، صبغه‌ای مردمی می‌یابند:

«بی‌سابقه است که به مجرد اینکه انقلاب می‌شود یک عده‌ای به نام پاسدار، یک عده‌ای به نام کمیته، یک عده‌ای به نام بسیج برای امنیت داخلی و مرزها از خود مردم جوشش کنند» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۴۲۵).

مردمی‌بودن این قوا اقتضای آن را دارد که مورد توجه ویژه و خاص ملت قرار بگیرند و پشتیبانی لازم از آنها بشود:

«قوای مسلح، از ارتش و سپاه و ژاندارمری و شهربانی تا کمیته‌ها و بسیج و عشایر و ویژگی خاص دارند. اینان که بازوان قوی و قدرتمند جمهوری اسلامی می‌باشند و نگهبان سرحدات و راهها و شهرها و روستاها و بالاخره نگهداران امنیت و آرامش‌بخشان به ملت می‌باشند، می‌بایست مورد توجه خاص ملت و دولت و مجلس باشند» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۴۳۲).

از سوی دیگر، این نیروها در صورتی می‌توانند حافظ اسلام، نظام اسلامی و کشور باشند که همچون ید واحد عمل کنند و اختلافی میان آنها نباشد. این اتحاد و انسجام، به ویژه میان نیروهایی که پیش از انقلاب وجود داشتند با نیروهایی که برآمده از انقلاب اسلامی هستند مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از ضروریات است:

«آدمی که مسلمان است، آدمی که علاقه دارد به کشور اسلامی، می‌داند که ارتش از ارگان‌هایی هستند که اسلام را حفظ می‌کنند، همینطوری که سپاه حفظ می‌کند، همینطوری که بسیج حفظ می‌کند. وقتی همه باهم شدید، یک جمعیت عظیم هستید، و در مقابل دیگران انشاءالله قدرت‌نمایی می‌کنید و حفظ می‌کنید کشور خودتان را، دفع می‌کنید دشمن‌های خودتان را» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۴۶۱).

«حفظ استقلال و امنیت و بقای جنبه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی هر کشور مستقیم یا غیرمستقیم وابسته به قوای انتظامی ارتش، ژاندارمری و شهربانی آن است و در کشور ما که در حال انقلاب به سر می‌برد، در کنار قوای انتظامی، پاسداران انقلاب نیز موجود و به حفاظت انقلابی اشتغال دارند. و باید ملت محترم با تمام قوا کوشش در حفظ این قوای انتظامی و فعال نمایند و از پشتیبانی آنها دریغ نمایند؛ که این قوا در خدمت اسلام و از جنود اسلامند؛ که مولا امیرالمؤمنین درباره آنها فرموده: حُصُونُ الرَّعِيَّةِ، وَزَيْنُ الْوَلَاةِ، وَعِزُّ الدِّينِ، وَسُبُلُ الْأَمْنِ، وَكَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ الْأَبِيهِمْ. و چون این قوای انتظامیه - که در خدمت خالق و خلق هستند - باید با روحیه قوی سربازی و در امن و امان به سر ببرند» (صحیفه امام، ج ۹: ۲۵).

یکی از لوازم اتحاد و انسجام میان این قوا، اجتناب از رقابت‌ها و موازی‌کاری‌ها و توجه هر نهاد و سازمان به کارویژه‌ها و کارکردهای خاص خود می‌باشد. همچنانکه امام (ره) در خصوص باندهای منحرف مهدی هاشمی، چنین مرقوم فرموده‌اند:

«با توجه به مسائلی که تا کنون کشف و یا مورد سوءظن شده است، و با توجه به جوسازی و اطلاعاتی‌هایی که با اسامی مختلف توسط افراد ضد انقلاب و منحرف و وابسته به مهدی هاشمی پخش گردیده است، که نه تنها سوءظن را بیشتر می‌کند که خود دلیل مستقلی است بر خط انحراف از انقلاب و اسلام، جنابعالی موظف هستید به جمیع جوانب این امر با کمال دقت و انصاف رسیدگی نمایید؛ و تمام افراد متهمی را که از سران این گروه محسوب می‌شوند و نیز افراد دیگری را که در انتشار مسائل کذب و قضایای دیگر دست داشته‌اند، تعقیب نمایید. بدیهی است که این امر چون

مربوط به اسلام و انقلاب و امنیت کشور است، تحقیق آن منحصرأ در اختیار وزارت اطلاعات کشور می‌باشد» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۱۴۵).

۴. کارکرد امنیتی نهادهای رسمی غیرامنیتی

امام خمینی (ره)، همانگونه که مشارکت آحاد ملت را به طور مستقیم و غیرمستقیم در تأمین امنیت مطرح نمود، یکی از کارکردهای نهادهای رسمی غیرامنیتی را به ویژه در شرایط خاص، تأمین امنیت می‌داند. نهادهایی که با کلیت نظام ارتباط دارند، با کلیت امنیت نیز ارتباط پیدا می‌کنند. بنابراین، مخدوش شدن آنها در مجموعه کلی نظام مؤثر است.

ایشان در خصوص وظایف مجلس خبرگان رهبری و کارکرد امنیت‌ساز آن می‌فرمایند:

«مجلس خبرگان یک مجلسی است که باید شما و ملت بدانند که این مجلس پشتوانه کشور است برای حفظ امنیت کشور و حفظ استقلال کشور و حفظ آزادی برای کشور و اگر مسامحه در این امر بشود، یک تقصیری است که ممکن است جبران بعدها نشود این تقصیر. باید همانطوری که اعلام می‌کنند و آن روزی که اعلام می‌کنند که آقایان بروند و افرادی را که تعیین کرده‌اند بزرگان به آنها رأی بدهند و کسانی هم که خودشان میل دارند که رأی بدهند، بروند و شرکت بکنند» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۱۳).

«مجلس خبرگان تقویت رهبری است. گول این حرفها را نخورند. باید همه وارد بشوند. این یک تکلیف است. حفظ اسلام یک تکلیف شرعی است برای همه ما. حفظ مملکت توحیدی یک تکلیفی است برای همه قشرهای ملت. و چنانچه همه با هم نباشند و در صحنه حاضر نباشند و رأی به وکلا ندهند و رأی به مجلس خبرگان ندهند و وکلایی که باید تعیین بشود و کسری دارند رأی کم بیاورند، این [ها] برخلاف تکلیف عمل کرده‌اند» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۰۲).

علاوه بر این، همه قوا و نهادهای حکومتی اعم از نظامی و غیرنظامی و همچنین نهادهای نظام‌ساز همچون نهاد انتخابات، به گونه‌ای غیرمستقیم نیز در تأمین امنیت ملی و ارتقاء ضریب آن نقش دارند. به بیان دیگر، انجام درست وظایف و نقش‌ها و اهتمام به آن از سوی این نهادها

و متولیان آنها می‌تواند موجبات امنیت و آرامش را در کشور فراهم کند و بدکارکردی^۱ آنها پشتیبانی مردمی از نظام را زایل نماید:

«... وقتی شما خوب کار کنید برای ملت، آنها هم پشتیبان‌اند. وقتی دولت خوب کار کند برای ملت، وقتی مجلس خوب کار کند برای مردم، پشتیبان هستند. مردم باید پشتیبان دولت باشند، پشتیبان مجلس باشند، پشتیبان قوه قضایی باشند و همه با هم خدمت کنند...» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۳۸۲ - ۳۸۳).

«قوه مجریه که دست‌اندرکاران حل و فصل بزرگ‌ترین مسائل اداری و اجرایی یک کشور بزرگ و در حال جنگ و محاصره و با جمعیتی متجاوز از پنجاه میلیون نفر است و از قوه قضاییه که مسئولیت اجرای حدود و احکام الهی و در حقیقت بار سنگین تأمین امنیت جان و نوامیس و اموال و شخصیت یک جامعه انقلابی را به عهده دارد...» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۳۶).

نهاد انتخابات، در این چارچوب، از اهمیت خاصی برخوردار است که نحوه برگزاری آن و اهتمام ملت به شرکت در آن می‌تواند بر سرنوشت نسل‌های آینده کشور و امنیت آنها تأثیر گذارد و حتی در حفظ اسلام مؤثر است:

«حفظ اسلام به این است که این انتخابات که می‌خواهد مجلس دوم را متحقق کند، بدانید که انتخابات از اموری است که در سرنوشت شما و در سرنوشت ما نقش مهم دارد، و بالاترین نقش است، و این انتخابات است که همه امور کشور را چه در داخل و چه در خارج باید بگذرانند» (صحیفه امام، ج ۱۸: ۴۰۳).

یکی از دلایل آنکه شرکت در انتخابات و رأی‌دادن از تکالیف شرعی به شمار می‌رود - از نظر امام(ره) -، به همین مورد بازمی‌گردد. به بیان دیگر، شرکت در انتخابات موجب حفظ نظام و بقاء اسلام می‌شود:

«اگر خدای نخواست بر اسلام یا کشور اسلامی، از ناحیه عدم دخالت در سرنوشت جامعه لطمه و صدمه‌ای وارد شود، یک‌یک تمام ملت در پیشگاه خدای قهار توانا مسئول خواهیم بود و نسل‌های آینده که ممکن است از کناره‌گیری‌های کنونی مورد

هزارگونه تجاوز واقع شوند، ما را نبخشند. پس، یکی از وظایف مهم شرعی و عقلی ما برای حفظ اسلام و مصالح کشور، حضور در حوزه‌های انتخابیه و رأی‌دادن به نمایندگان صالح کاردان و مطلع بر اوضاع سیاسی جهان و سایر چیزهایی که کشور به آنها احتیاج دارد می‌باشد چه از روحانیون باشند، چه نباشند» (صحیفه امام، ج ۱۸: ۳۳۶).

نتیجه‌گیری

اگرچه امنیت دارای سطوح و لایه‌های گوناگون است و تحلیل امنیت در سطوح مختلف، تفاوت‌هایی نسبت به یکدیگر دارد، اما می‌توان اصول و چارچوب‌های مشترکی را از اندیشه‌های امام خمینی (ره) در مورد ارکان امنیت استنباط کرد. نگاه ایشان به تأمین امنیت، ویژگی‌های خاصی دارد. در اندیشه امام خمینی، تأمین امنیت، به شدت وابسته به منابع مهمی مانند وحدت، انسجام، ایمان و معنویت است و مشکلات و چالش‌های منابع تأمین امنیت، امنیت و اجزای آن را دچار مشکل می‌کنند. امام بر اساس مبانی فکری خود، حرکت اصلاحی از درون به بیرون را بهترین شیوه دسترسی به اهداف می‌داند. بنابراین، در منابع امنیت و نیز روش‌های تأمین آن، مؤکداً بر عناصر درونی اصرار می‌ورزد. به همین دلیل، ایشان در کنار استفاده از نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی، به دخالت مستقیم و غیرمستقیم مردم در امنیت اعتقاد دارند. ورود مردم در دفاع و جنگ و همچنین پشتیبانی مستمر از نیروهای نظامی، از مصادیق دخالت مردم در تأمین امنیت به شمار می‌روند.

در هر حال، باید توجه داشت موضوع امنیت در نظریات امام خمینی (ره) در عین برخوردار از اهمیت بالا، در یک مجموعه پیچیده و منسجم معنا می‌شود که درک آن نیازمند آشنایی با مبانی اندیشه ایشان و تحلیل آرای وی بر اساس این مبانی می‌باشد.

منابع

- تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳): *مطالعات امنیتی نوین*، ترجمه علی‌رضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ره‌پیک، سیامک (۱۳۸۵): «درک امنیت عمومی»، *فصلنامه امنیت عمومی*، سال اول، شماره یک.
- ره‌پیک، سیامک (۱۳۸۷) (به اهتمام)، *نظریه امنیت جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۶): *صحیفه امام*، تمام مجلدات، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).